

درنگی در روایی «حبس انفرادی»

حمید مسجدسرایي^{۱*}، محمد حسن نجاری^۲

۱. دانشیار، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۰)

چکیده

یکی از موضوعات قابل تأمل در نظام حقوق کیفری ایران، مجازات حبس انفرادی است که قانونگذار عرفی گاه با همین تعبیر و گاهی با تعبیری مشابه آن را در خصوص پاره‌ای از جرایم به رسمیت شناخته است. سازگاری یا عدم سازگاری این مجازات سالب آزادی، با مبانی شرعی و حقوقی، سؤال چالش برانگیزی محسوب می‌شود که در مقاله حاضر درصدد یافتن پاسخ قانع کننده‌ای برای آنیم. اگرچه هیچ‌یک از فقیهان امامیه و حقوقدانان مسلمان صراحتاً به مشروعیت حبس انفرادی قائل نشده‌اند، با بررسی قانون‌ها و مقررات حاکم بر کشور می‌توان دریافت که قانونگذار ایران به منظور اثبات مشروعیت این قسم از حبس، به مستنداتی چون «عمومیت ادله مشروعیت حبس» و همچنین «فلسفه حبس انفرادی برای متهمان و محکومان» تمسک کرده است. یافته‌ها حاکی از آن است که با در نظر گرفتن تفاوت‌های شایان توجه حبس عمومی با انفرادی باید اذعان کرد که با واکاوی در مبانی و ادله این حکم، نه تنها از عمومیت ادله مشروعیت حبس نمی‌توان مشروعیت حبس انفرادی را اثبات کرد، بلکه با استناد به «ممنوعیت شکنجه» و تعارض مشروعیت حبس انفرادی با اصولی چون «اصل کرامت انسانی»، «اصل برائت کیفری»، «فلسفه مجازات زندان» و «قاعده ضمان آور بودن اتلاف بالتسبیب» می‌توان عدم مشروعیت حبس انفرادی را اثبات کرد و بالتبع در سیاست تقنینی، در راستای کیفرزدایی آن گام برداشت.

واژه‌های کلیدی

حبس انفرادی، زندان، زندان تک نفره، سلول انفرادی، شکنجه.

مقدمه

در نظام‌های حقوقی مختلف به منظور برقراری نظم در جامعه، کشف جرم و مجازات مجرم، سازوکارهایی در نظر گرفته شده است. یکی از این سازوکارها که تقریباً در تمامی نظام‌های حقوقی استفاده می‌شود، سلب آزادی از اشخاص است که در منابع فقهی و حقوقی از آن با عنوان «حبس» یاد می‌شود.

حبس واژه‌ای عربی است که متناسب با کاربردهای مختلف آن، دو معنای لغوی «محل نگهداری محبوس [مترادف با واژه سجن]» و «فعل یا عمل سلب آزادی از شخص» برای آن بیان شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۵۰؛ ج ۶: ۵۶؛ ابن‌ادریس، ۱۹۸۸، ج ۱: ۲۷۷؛ زهری، ۱۴۲۱، ج ۴: ۱۹۸؛ اسماعیل‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۹۶؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۹۱۵؛ ج ۵: ۲۱۳۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۲۸؛ ج ۳: ۱۳۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۴۴ - ۴۶؛ ج ۱۳: ۲۰۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۶۰ - ۶۱). فقها و حقوقدانان نیز با توجه به همین مسئله، اصطلاح مذکور را به دو صورت تعریف کرده‌اند؛ از منظر برخی، حبس در اصطلاح حقوقی مترادف با زندان است و حکایت از مکان نگهداری اشخاص دارد. از این منظر، حبس دارای دو معناست؛ معنای عام که شامل بازداشتگاه (محل نگهداری متهمان) و زندان (محل نگهداری محکومان کیفری) شده و معنای خاص که تنها شامل زندان می‌شود (آخوندی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۸۷؛ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان امور زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴). از منظر گروه دیگری، حبس در اصطلاح حقوقی به معنای مجازاتی است که بر اساس آن، شخص به صورت دائم یا موقت از حق آزادی که تمامی انسان‌ها از آن بهره‌مند هستند، محروم می‌شود. بر این اساس، هدف از مجازات حبس محدود کردن آزادی شخص و جلوگیری از آمدوشد آزادانه وی بوده و قرار دادن او در مکان خاصی با نام بازداشتگاه یا زندان، هیچ موضوعیتی در نحوه اجرای مجازات حبس ندارد (منتظری، ۱۳۷۱، ج ۴: ۲۷؛ سپهری، ۱۳۷۳: ۱۱ و ۷۱ - ۸۲؛ شمس، ۱۳۸۶: ۱۱؛ وائلی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). علت صدور چنین نظریه‌ای آن است که بنا بر منابع موجود، در زمان پیامبر (ص) مکانی برای حبس اشخاص وجود نداشته و نخستین زندان در اسلام را امام

علی (ع) در شهر کوفه به دلیل گسترش شایان توجه وقوع جرم در دوران خلافت عُمر بنا کرد (عبدالعزیزین اسحاق، بی تا: ۲۶۶؛ ثقفی، بی تا، ج ۱: ۱۳۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۲، ج ۲: ۹۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۲۰، ماوردی، بی تا: ۱۹۰، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴: ۴۲۰). با توجه به این توضیحات، مراد از حبس در این مقاله «عمل سلب آزادی از شخص» یا «معنای عام محل نگهداری از متهمان و محکومان» است.

حبس را از جهات گوناگونی می توان دسته بندی کرد؛ یکی از این جهات، تقسیم حبس بر اساس روش اداره به عمومی (نگهداری از فرد در بازداشتگاه یا زندان چند نفره) و انفرادی (نگهداری از فرد در بازداشتگاه یا زندان تک نفره) است (صلاحی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۱۷۰). اگرچه در ابتدای امر چنین به نظر می رسد که حبس عمومی و انفرادی جز در مساحت و تعداد محبوسان تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند، حقیقت آن است که حبس انفرادی تفاوت های شایان توجه و شرایط ویژه ای را نسبت به حبس عمومی دارد که از میان آنها می توان به موارد ذیل به عنوان مهم ترین این ویژگی ها اشاره کرد: «ممنوعیت یا ایجاد محدودیت های قابل توجه در برقراری هر گونه ارتباط با سایر انسان ها (به جز مسئول بازداشتگاه و مقام قضایی)»، «ممنوعیت یا ایجاد محدودیت در زمان هواخوری»، نگهداری از اشخاص در «مکانی با ابعاد کوچک»، «دارای ضروری ترین وسایل مورد نیاز برای حیات»، «فاقد هر گونه پنجره ای که به وسیله آن خارج از سلول قابل رؤیت باشد»، «بهره مند از سکوت مطلق» و «مجهز به تجهیزات شنود و تصویربرداری».

نگهداری از افراد در شرایط مذکور نتایج بسیار سویی دارد و موجب می شود عموم اشخاصی که حبس انفرادی را تجربه کرده اند، دچار مشکلات عدیده و جبران ناپذیر جسمی و روحی شوند؛ مشکلاتی که به طور معمول با قرار گرفتن در حبس عمومی به وجود نمی آید. «از میان این مشکلات می توان به سردردهای شدید، تپش قلب، ناتوانی در تحمل محرک های شنوایی، بروز ضعف در بینایی، کاهش وزن، دچار شدن به دردهای شکمی و گرفتگی عضلات به عنوان مهم ترین مشکلات جسمی و همچنین عدم تمرکز حواس، دچار شدن به توهم و افکار پارانویا، اضطراب و یأس های غیر معمول، ناتوانی و

ضعف در تمرکز، بروز واکنش‌های احساسی، عدم تسلط بر خود و بی‌اختیاری در انجام دادن اعمال، به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات روحی اشاره کرد (صلاحی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۱۷۰؛ صالحی و بهروزی، ۱۳۹۲: ۱۸ - ۲۰).

بر اساس قانون‌ها و مقررات حاکم بر کشور، حبس انفرادی سازوکاری است که استفاده از آن در دو مورد به رسمیت شناخته شده است: نخست، مواردی که شخص به‌واسطه اتهام به ارتکاب جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و انقلاب یا دادگاه کیفری یک باشد، بازداشت می‌شود و تا زمان اتمام تحقیقات مقدماتی در حبس انفرادی نگهداری خواهد شد. به‌عنوان مثال، براساس بند ۳ ماده ۶ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ هـ.ش در صورتیکه مقام قضایی بیم‌تسانی دهد یا حبس انفرادی را برای تکمیل تحقیقات مقدماتی ضروری بداند، می‌تواند حداکثر به مدت ۱۵ روز متهمان به جرایم سیاسی را در حبس انفرادی قرار دهد؛ صورت دوم، موردی است که بر اساس آن، متهمان و محکومان به‌واسطه بر هم زدن نظم بازداشتگاه یا زندان، تحت عنوان تنبیه انضباطی در حبس انفرادی قرار می‌گیرند. قانونگذار در ماده ۱۷۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ هـ.ش به‌صراحت به این مورد اشاره و از آن با عنوان «نگهداری از متخلفین در واحدهای تک‌نفره» یاد کرده است.^۱

مهم‌ترین سؤالی که پیرامون حبس انفرادی مطرح می‌شود، مشروعیت حبس انفرادی یا پاسخ به این پرسش است که «بر اساس منابع اسلامی آیا می‌توان متهمان و محکومان را در حبس انفرادی قرار داد؟». اهمیت پاسخ به این سؤال زمانی مشخص می‌شود که در کنار

۱. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه در ماده ۵۲۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۴ حبس انفرادی از تنبیهات در نظر گرفته شده برای مجوسان متخلف حذف شده است، لکن نباید فراموش کرد که اولاً قانون مذکور عام مؤخر و آیین‌نامه سازمان امور زندان‌ها خاص مقدم محسوب شده و بنا بر قواعد اصولی، عام مؤخر، ناسخ خاص مقدم نیست؛ ثانیاً در ماده ۵۳۰ همین قانون، قانونگذار وزارت دادگستری را ملزم کرده تا با همکاری سازمان امور زندان‌ها، آیین‌نامه جدیدی را در این خصوص تنظیم و به تصویب رئیس قوه قضاییه برساند. لذا تا زمانی که آیین‌نامه جدید تنظیم و تصویب نشده، آیین‌نامه مصوب ۱۳۸۴ کماکان لازم‌الاجراء خواهد بود.

متداول شدن استفاده از این قسم حبس، فلسفه سلب آزادی از متهمان و محکومان را به همراه آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمی و روحی که به واسطه قرار گرفتن اشخاص در حبس انفرادی به آنها وارد می‌شود، در نظر بگیریم. ناگفته نماند آنچه در حال حاضر به عنوان حبس انفرادی به رسمیت شناخته و استفاده می‌شود، از نظام‌های حقوقی کشورهای غربی وارد نظام حقوقی ایران شده^۱ و مرسوم شدن آن در کشور، مربوط به دوران حکومت ستمشاهی و ناشی از تقلید کورکورانه‌ای بوده که در آن دوران صورت گرفته است.

ادله مشروعیت حبس انفرادی و نقد آن

با بررسی آثار فقهای امامیه و حقوقدانان کشورمان می‌توان دریافت که هیچ‌یک از این بزرگان در آثار خود به صراحت یا به صورت تلویحی مطلبی دال بر پذیرش مشروعیت حبس انفرادی بیان نکرده‌اند. با این حال، با عنایت به نظریات ارائه شده از سوی قانونگذار، می‌توان موارد ذیل را به عنوان مهم‌ترین علل به رسمیت شناخته شدن این قسم از حبس دانست:

عمومیت ادله مشروعیت حبس

از نظر قانونگذار کشورمان ادله‌ای که به منظور اثبات مشروعیت حبس از سوی شارع مقدس و ائمه اطهار (ع) و فقهای امامیه بیان شده، عام بوده و شامل تمامی اقسام حبس (اعم از حبس عمومی و انفرادی) می‌شود؛ زیرا عبارات «نفیهم فی الارض، فامسکوهن فی البیوت، تحبسونهما، احصروهم» (مائده: ۳۳ و ۱۰۶؛ نساء: ۱۶؛ توبه: ۵) که در آیات دال بر مشروعیت حبس به آنها استناد شده و همچنین روایات بسیاری که ائمه اطهار (ع) در آنها

۱. به روش نگهداری از اشخاص در حبس انفرادی، روش پنسیلوانیایی نیز گفته می‌شود؛ زیرا این روش به شیوه‌ای که امروزه در حال اجرایی شدن است، برای نخستین بار در سال ۱۷۹۰ میلادی و در پنسیلوانیا به اجرا گذاشته شد (رک: مطهری‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۲). نگهداری از اشخاص در سلول انفرادی در اکثر کشورهای جهان اجرا شده و می‌شود (دانش، ۱۳۷۲: ۲۱۹).

دستور به حبس کردن متهم یا مجرم داده‌اند، عام و شامل تمامی اقسام حبس می‌شود. به علاوه عقل نیز به منظور پاسداری از مصالح جامعه و تأمین عدالت و کنترل مجرمان حرفه‌ای، حکم به مشروعیت حبس داده است و این حکم عمومیت دارد (طبسی، ۱۳۸۲: ۱۱۹ - ۱۲۰). پس با در نظر گرفتن عام بودن ادله مشروعیت حبس، می‌توان حکم به مشروعیت حبس انفرادی کرد؛ چرا که عمومیت ادله مشروعیت حبس بر جواز استفاده از تمامی اقسام آن دلالت می‌کند.

نقد دلیل: بر این استدلال چندین اشکال وارد است:

اولاً) در مجازات حبس عمومی تنها آزادی مکانی و آمدوشد شخص محدود می‌شود، لکن در حبس انفرادی علاوه بر ایجاد محدودیت در آزادی مکانی، از او در مکان خاص با ویژگی‌های خاصی نگهداری و تمامی ارتباطات وی با سایر انسان‌ها (به‌جز متصدی بازداشتگاه یا زندان و مقام قضایی) نیز قطع می‌شود. بنابراین، اگرچه حبس انفرادی و عمومی دارای ویژگی مشترک سلب آزادی از شخص هستند، در حبس انفرادی ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارد که همین مسئله موجب می‌شود ماهیتی متفاوت با حبس عمومی داشته و برای اثبات مشروعیت آن به ارائه دلیل خاص نیاز باشد.

ثانیاً) حبس انفرادی به شیوه‌ای که امروزه اجرایی می‌شود، در زمان پیامبر (ص) و ائمه اطهار وجود نداشته (مطهری‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۲) و از همین رو، در زمان خطاب شارع مقدس و ائمه اطهار (ع) مقصود و مورد توجه ایشان واقع نشده است.

ثالثاً) با توجه به قاعده «لزوم تفسیر مضیق جرایم و مجازات‌ها» که از نتایج اصل «تفسیر نصوص به نفع متهم» است، نمی‌توان به واسطه عمومیتی که در ادله مشروعیت حبس وجود دارد، به مشروعیت تمامی اقسام حبس حکم کرد؛ چرا که براساس مفاد این قاعده، در مواردی که مراد شارع مقدس روشن نیست و نمی‌توان به کمک اصول لفظی به مراد وی علم پیدا کرد، باید عبارات شارع را به گونه‌ای تفسیر کرد که تنها شامل قدر متیقن و حداقل موارد شود (رک: اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۱؛ ساولانی، ۱۳۹۳: ۶۰). فلذا بدیهی است که در تفسیر ادله مورد بحث، قدر متیقن، «مشروعیت حبس عمومی» است.

رابعاً) شارع مقدس و ائمه اطهار (ع) در مستندات فوق صرفاً در صدد تبیین مشروعیت مجازات حبس بوده و اساساً به دنبال اظهار نظر پیرامون شیوه اداره مکان نگهداری از محبوسان نبوده‌اند. این در حالی است که «تقسیم حبس به عمومی و انفرادی، بر اساس روش اداره یا ویژگی‌های مکان حبس صورت می‌گیرد» (صلاحی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۱۷۰). بنابراین از عمومیت ادله مشروعیت حبس تنها می‌توان مشروعیت قرار دادن متهمان و محکومان در حبس عمومی را برداشت کرد و به واسطه تفاوت‌های شایان توجه حبس انفرادی با حبس عمومی، اثبات مشروعیت حبس انفرادی به دلیل خاص نیاز دارد.

فلسفه اعمال مجازات حبس انفرادی برای متهمان و محکومان

یکی دیگر از ادله‌ای که به منظور مشروعیت حبس انفرادی به آن استناد شده، فلسفه و هدفی است که قانونگذار از اعمال این سازوکار دنبال می‌کند. در توضیح این دلیل باید گفت در نظام حقوقی کشورمان سازوکار حبس انفرادی برای دو گروه در نظر گرفته شده است: گروه نخست، متهمان به ارتکاب جرایمی هستند که رسیدگی به جرم آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و انقلاب یا دادگاه کیفری یک است. فلسفه و هدف از قرار دادن این قبیل متهمان در بازداشتگاه انفرادی، تسریع در تحقیقات مقدماتی، روشن شدن حقیقت و جلوگیری از فرار یا تبانی آنان است (بند ۶ ماده ۶ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ ه.ش؛ گودرزی، مقدادی، ۱۳۸۳: ۲۴)؛ کما اینکه در سیره ائمه اطهار (ع) و آرای فقهای شیعه نیز حکم به حبس متهم به منظور جلوگیری از فرار وی صادر شده است (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۰۴ و ۵۳۹؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۱۵۲ و ۱۷۴؛ ۱۴۰۰: ۷۴۴؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۲۰۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۳۷۱؛ قاضی ابن‌براج، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۰۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۲۷؛ ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۲۹۸؛ شهید اول، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۲؛ امام خمینی، بی‌تا الف، ج ۲: ۴۸۰؛ خویی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۲۳). حال در صورت حذف حبس انفرادی از این مرحله شاید مقام قضایی در بسیاری از موارد موفق به اتمام مرحله تحقیقات مقدماتی و در نتیجه رسیدگی به جرایم و مجازات مجرمان نشود یا مدارک مربوط به وقوع جرم از سوی مرتکب جرم یا همکاران او از بین برود.

گروه دومی که مجازات حبس انفرادی برای آنان در نظر گرفته شده، متهمان و محکومان مختل‌کننده نظم عمومی بازداشتگاه و زندان هستند؛ هدف از قرار دادن متخلفان در حبس انفرادی، تلاش در جهت برقراری نظم و جلوگیری از وقوع حوادث سوء در بازداشتگاه یا زندان (همچون اعتراض، اعتصاب یا تقاضای ملاقات به صورت دسته‌جمعی) بوده و این قسم از حبس به‌عنوان تنبیه انضباطی، برای محبوسان متخلف در نظر گرفته شده است (مواد ۱۶۷ تا ۱۶۹ و ماده ۱۷۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ ه.ش).

بنابراین، از نظر قانونگذار کشورمان به‌منظور تسریع در تحقیقات مقدماتی، کشف حقیقت و جلوگیری از فرار متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی و حفظ نظم بازداشتگاه و زندان، ضروری است که حبس انفرادی در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته و استفاده شود.

نقد دلیل: در مقام ارزیابی استدلال فوق باید گفت:

اولاً فلسفه مشروعیت حبس انفرادی با فلسفه مجازات زندان در حقوق کیفری تعارض آشکار دارد؛ چرا که تمامی پژوهشگران و حقوقدانان کشورمان و حتی حقوقدانان کشورهای غربی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که مهم‌ترین اهداف نظام‌های حقوقی مختلف در رسیدگی به جرایم و مجازات مجرمان و متخلفان «برقراری عدالت، نظم و امنیت در جامعه» و «اصلاح، بازپروری و درمان شخص به‌منظور بازگشت مجدد وی به جامعه» است (ولیدی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶؛ اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۲۱؛ گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۸۴؛ شمس، ۱۳۸۶: ۴۳ - ۵۰؛ ساولانی، ۱۳۹۳: ۲۸۳؛ آنسل، ۱۳۷۵: ۴۷؛ پیکا، ۱۳۸۹: ۱۱۰؛ بولک، ۱۳۸۵: ۱۳). این مسئله از سوی قانونگذار کشورمان نیز تأیید شده است (رک: ماده ۱۸۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۴ ه.ش، ماده ۱۳۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ ه.ش و ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ ه.ش). لذا قرار دادن اشخاص در حبس انفرادی، نه‌تنها با فلسفه مجازات زندان تعارض دارد و به برقراری عدالت و بازپروری متهمان یا محکومان کمکی نمی‌کند، بلکه مشکلات جسمی و روحی شایان توجه و جبران‌ناپذیری را نیز بر محبوسان انفرادی وارد خواهد کرد.

ثانیاً) تمامی بزرگان دین و فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و به‌منظور دستیابی به هدف مشروع نمی‌توان از هر وسیله و ابزاری استفاده کرد. از این میان می‌توان به کلام امیرالمؤمنین علی (ع) اشاره کرد که فرمودند: «هر که به وسیله گناه پیروز شد، پیروز نیست و آنکه به واسطه بدی و ستم پیروز شده، شکست خورده است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۵۳۳). بر اساس همین سیره، شهید مطهری (ره) معتقد است: «برای حق باید از حق استفاده کرد؛ حتی اگر بدانیم یک حرف ناحق و نادرست، باعث می‌شود همه گناهکاران توبه کنند ... یکی از راه‌هایی که بر دین از جنبه‌های مختلف ضربه وارد می‌کند، رعایت نکردن این اصل است. همان‌طور که هدفمان باید مقدس باشد، وسایلی هم که برای آن استخدام می‌کنیم، باید مقدس باشد» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۶: ۱۱۰ - ۱۱۱). لذا بدیهی است که به‌منظور کشف جرم و اجرای عدالت یا برقراری نظم و جلوگیری از وقوع حوادث سوء در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها نمی‌توان به هر روشی (اعم از صحیح یا غلط) و از جمله حبس انفرادی متوسل شد؛ چرا که نه تنها هیچ دلیلی برای مشروعیت استفاده از حبس انفرادی وجود ندارد، بلکه استفاده از این قسم حبس، مغایر با فلسفه مجازات در نظام کیفری اسلام است.

ثالثاً) استناد به سیره ائمه اطهار (ع) و فتاوی فقهای امامیه به‌منظور مشروعیت حبس انفرادی در مرحله تحقیقات مقدماتی خالی از اشکال نیست؛ چرا که بسیاری از روایات دال بر مشروعیت حبس متهم دارای سند ضعیف بوده (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۱۰: ۷۶) و بر فرض اعتبار سند نیز، تنها به مشروعیت حبس متهم در برخی از جرایم (از قبیل قتل و دزدی) دلالت دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۲۲۳). به‌علاوه در هیچ‌یک از روایات یا کلام فقهای امامیه به مشروعیت قرار دادن متهم در حبس انفرادی کوچک‌ترین اشاره‌ای نشده و با توجه به توضیحات پیشین، نمی‌توان از عمومیت روایات یا کلام فقها به‌منظور اثبات مشروعیت حبس انفرادی استفاده کرد.

رابعاً) اهدافی که قانونگذار از قرار دادن متهمان و محکومان در حبس انفرادی دنبال می‌کند، از طرق دیگری نیز تحقق‌پذیر بوده و دستیابی به آنها صرفاً به استفاده از حبس

انفرادی منوط نیست؛ به بیان ساده‌تر، با قرار دادن متهمان در حبس عمومی و ایجاد محدودیت‌هایی در ارتباطات ایشان با اشخاص خارج از بازداشتگاه نیز می‌توان از فرار یا تبانی متهمان و مرتکبان اصلی جرم جلوگیری کرد. همچنین می‌توان به‌جای استفاده از حبس انفرادی به‌عنوان تنبیه انضباطی متهمان و محکومان، موارد دیگری را به‌عنوان تنبیه در نظر گرفت که علاوه بر جنبه بازدارندگی، مشکلات جسمی و روحی ناشی از حبس انفرادی را نیز با خود به‌همراه نداشته باشد.

ادله عدم مشروعیت حبس انفرادی

پس از روشن شدن نبود دلیلی برای اثبات مشروعیت حبس انفرادی، با استناد به قاعده لزوم تفسیر مضیق جرایم و مجازات‌ها باید به عدم مشروعیت آن حکم کرد. با این حال، سازوکار حبس انفرادی با برخی دیگر از اصول و مبانی نظام کیفری اسلام و ایران تعارض آشکار دارد که در ادامه به توضیح پیرامون آنها پرداخته شده است.

حبس انفرادی؛ مصداق بارز شکنجه

«شکنجه» واژه‌ای فارسی و در لغت به معنای «آزار و ایذاء، عقوبت، تعزیر، عذاب دادن دزد و گناهکار، آزار دادن متهم به‌منظور اخذ اقرار از وی» بوده (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹: ۱۲۷۰۹؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۰۶۶) و در اصطلاح حقوقی به ایذاء و آزار متهم و غیرمتهم گفته می‌شود که به‌منظور اخذ اقرار یا تعهد صورت پذیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۰۱). به بیان دیگر، «هر نوع اقدام غیرقانونی‌ای که شخص را از نظر جسمی و روحی در فشار قرار دهد تا مطالبی بر خلاف میل و اراده باطنیش بیان کند، شکنجه محسوب می‌گردد» (اردبیلی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۳۱). از تعریف‌های لغوی و اصطلاحی بیان‌شده برای شکنجه می‌توان دریافت در صورتی که فعل یا ترک فعل نامشروع باشد و شخص را از نظر جسمی یا روحی در فشار قرار دهد، آن فعل یا ترک فعل مصداق بارز شکنجه محسوب می‌شود؛ اگرچه به‌منظور اخذ اقرار صورت نگیرد. چرا که قرار دادن چنین شاخصه‌ای در برخی از تعریف‌های شکنجه به این دلیل بوده که این عمل معمولاً به‌منظور اخذ اقرار صورت می‌گیرد.

با توجه به شاخصه‌هایی که از تعریف‌های ارائه شده برای «شکنجه» برداشت می‌شود، می‌توان قرار دادن متهمان و محکومان در حبس انفرادی را جزو یکی از مهم‌ترین مصادیق شکنجه جسمی و روحی متهمان و محکومان دانست؛ چرا که حبس انفرادی نیز فعل نامشروعی است که موجب می‌شود شخص به واسطه قرار گرفتن در مکانی با شرایط و ویژگی‌های خاص و عدم ارتباط با سایر انسان‌ها، به گونه‌ای تحت فشار قرار گیرد که علاوه بر وارد آمدن آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمی و روحی به وی (شاخصه اصلی شکنجه) تقریباً در تمامی موارد مطالبی را برخلاف میل باطنی خود بیان کند. بر همین اساس است که برخی از فقهای متأخر در آثار خود به صراحت از حبس انفرادی به عنوان یکی از مصادیق بارز شکنجه یاد کرده‌اند (رک: طبسی، ۱۳۸۲: ۵۹۳).

در توضیح پیرامون رویکرد نظام حقوقی اسلام در مسئله ممنوعیت شکنجه باید گفت آیات و روایات بسیاری وجود دارد که بر «حرمت ایذای غیر^۱»، «عذاب فرد شکنجه‌گر در روز قیامت^۲» و «عدم نفوذ اقرار مکروه^۳» دلالت می‌کند (خویی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳). بسیاری از فقها و حقوقدانان نیز با در نظر گرفتن آیات و روایات مورد اشاره، اختیار را به عنوان یکی از شرایط مقرر معرفی کرده و اقراری را که با اکراه همراه باشد، نافذ ندانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ الف: ۷۱۸؛ محقق حلی، ۱۴۱۸: ۱۷۴؛ صاحب جواهر، ۱۳۹۸، ج ۴۱: ۲۸۰؛ امام خمینی، بی تا ب، ج ۲: ۴۴؛ شاملو احمدی، ۱۳۸۳: ۳۳۰؛ نوری‌بهاء، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

۱. رک: بروج: ۱۰؛ احزاب: ۵۸.

۲. یکی از این روایات عبارت است از: «قال رسول الله (ص): إن الله تعالى يعذب يوم القيامة الذين يعذبون الناس في الدنيا؛ پیامبر (ص) فرمود: خداوند در روز قیامت کسانی را که در دنیا مردم را شکنجه می‌کنند، عذاب خواهد کرد» (ابویوسف، ۱۳۵۲: ۱۲۵).

۳. یکی از این روایات عبارت است از: «عن علی (ع) أنه قال: من أقرَّ بعد علی تخويف او حبس او ضرب لم یجز، دالک علیه و لایحد؛ از امام علی (ع) منقول است که هر کس در اثر خوار شدن یا حبس یا کتک خوردن به گناهی اعتراف کند، این اقرار علیه وی فاقد اعتبار بوده و حد بر او جاری نمی‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۴۹۸).

ممنوعیت شکنجه در قانون‌های ایران نیز به رسمیت شناخته شده است؛ با بررسی قانون‌های ایران می‌توان دریافت تمامی اقسام شکنجه، اعم از شکنجه جسمی و روحی، از نظر قانونگذار مذموم است و جرم محسوب می‌شود و هر گونه اقرار یا حتی کسب اطلاعاتی (مانند شهادت له یا علیه دیگری) که به واسطه شکنجه اشخاص صورت پذیرد، حجیت شرعی و قانونی ندارد و نمی‌توان در محاکم قضایی به آن استناد کرد (اصل ۳۸ ق.ا و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ ه.ش). در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی نیز برای مرتکبان جرم شکنجه جسمی، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، مجازات حبس از شش ماه تا سه سال در نظر گرفته شده است (ماده ۵۷۸ بخش تعزیرات ق.ا.م.ا). با این حال، با وجود تلاش‌های قانونگذار برای جلوگیری از شکنجه متهمان که یکی از مصادیق احترام به حیثیت ذاتی اشخاص محسوب می‌شود، در قانون‌های موجود کاستی‌هایی در زمینه ضمانت اجرای لازم برای جلوگیری از وقوع این جرم وجود دارد؛ از جمله این کاستی‌ها، آن است که در ماده ۵۷۸ ق.ا.م.ا. بخش تعزیرات فقط به شکنجه‌های جسمی اشاره شده و برای شکنجه‌های روحی هیچ مجازاتی در نظر گرفته نشده است.

تعارض مشروعیت حبس انفرادی با اصل کرامت انسانی

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر نظام‌های کیفری مختلف دنیا، اصل کرامت ذاتی انسان است. بر اساس این اصل، انسان به دلیل داشتن شرافت ذاتی و بدون در نظر گرفتن دین و مذهب، ملیت و نژاد و رنگ پوست، فقر و ثروت و طبقه اجتماعی خود، از حقوقی بهره‌مند می‌شود که به هیچ وجه سلب‌پذیر نبوده و حتی در صورت ارتکاب جرم توسط شخص، باز هم باید به این دسته از حقوق او احترام کامل گذاشته شود (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۲۷؛ رحیمی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۶). در دین مبین اسلام آیات و روایاتی که دلالت بر «آفرینش و خلقت انسان»، «دمیده شدن روح الهی در انسان»، «اشرف مخلوقات بودن انسان» و «فراهم کردن اسباب هدایت انسان» دارد را می‌توان به عنوان منابع اصل کرامت ذاتی انسان معرفی کرد (بقره: ۱۲۶؛ حجرات: ۱۳؛ اسراء: ۷۰). همچنین الزام

به رعایت اصل برابری در جامعه، حفظ عزت نفس انسانی و تکریم و احترام به شخصیت انسان، مهم‌ترین جلوه‌های تحقق کرامت ذاتی انسان در سیره معصومین (ع) هستند (علیخانی، ۱۳۷۷: ۲۱۹).

با توجه به توضیحاتی که پیرامون اصل کرامت انسانی ارائه شد، می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین اصولی که مشروعیت حبس انفرادی با آن تعارض آشکار دارد، اصل فوق است؛ چرا که نگهداری از متهمان و محکومان در مکانی با ابعاد کوچک، دارای ضروری‌ترین وسایل حیات، فاقد هر گونه پنجره و حاکم کردن سکوت مطلق بر آن فضا و تجهیز کردن آن به ابزار شنود و ایجاد ممنوعیت یا محدودیت‌های شایان توجه در هواخوری و ارتباط با سایر انسان‌ها، علاوه بر مغایرت با حفظ عزت نفس انسانی و تکریم و احترام به شخصیت انسانی آنان و تنزل شدید جایگاه انسانی محبوسان انفرادی، در اندک زمانی موجب بروز مشکلات جسمی و روحی در این گروه از محبوسان می‌شود و آنان را به سمت زوال عقل و دچار شدن به بیماری‌های شدید روحی سوق می‌دهد. این در حالی است که یگانه عامل تمایز و برتری انسان نسبت به سایر موجودات، بهره‌مندی از قدرت تفکر و اندیشه است.

به‌علاوه یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج به رسمیت شناختن اصل کرامت انسانی، احترام به امتیازات، حقوق و آزادی‌هایی خواهد بود که به‌واسطه انسان بودن یک شخص، برای وی در نظر گرفته می‌شود. از میان این موارد می‌توان به «ممنوعیت ایزدای افراد در حین دستگیری و بازجویی و اعمال مجازات»، «ممنوعیت شکنجه یا تحمیل هر گونه رنج غیرقانونی بر متهمان و محکومان»، «ممنوعیت انتقال متهم به اماکن نامعلوم»، «ممنوعیت انجام دادن اقدام‌های نامتعارف» و «لزوم نگهداری متهم یا محکوم در مکان مناسب» به‌عنوان مهم‌ترین این موارد اشاره کرد (رک: اصل ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی؛ ماده ۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۴ ه.ش؛ بند ۳، ۶، ۷ و ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ ه.ش؛ بیرانوند و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۳۴). نگهداری از متهمان و محکومان در حبس انفرادی با موارد فوق نیز تعارض آشکار و انکارناپذیری دارد.

این نکته را نباید فراموش کرد که محققان عصر ما، با الهام گرفتن از کتاب و سنت و دلیل عقل و مبنا قرار دادن اصل کرامت انسانی، اصل و فطرت زندگی انسان را به اجتماع‌گرایی دانسته‌اند و معتقدند انسان موجودی اجتماعی است و تنها در سایه اجتماع می‌تواند به اهداف والای خود دست یابد، مشکلات خود را آسان‌تر مرتفع کند و به سعادت مطلوب برسد. آنها معتقدند گوشه‌گیری و انزواطلبی نه با فطرت انسان سازگار است و نه با روح تعلیمات اسلام؛ بلکه اجتماع‌گرایی روح تمام تعلیمات اسلام است (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۴۳). با توجه به این توضیحات، حبس انفرادی بر خلاف اصول حاکم بر فطرت و طبیعت انسان محسوب و موجب می‌شود بسیاری از محبوسان انفرادی، به امراض مختلف جسمی و روحی و به‌ویژه جنون دچار شده و حتی به انتحار اقدام کنند. در نتیجه اگر مقصود از اجرای مجازات حبس انفرادی علاوه بر تأمین سلامت روحی، اصلاح و تهذیب مجرم باشد، به رسمیت شناختن آن نقض غرض محسوب می‌شود و جز نابودی متهم یا محکوم کردن و از بین بردن سلامت و اضمحلال قوای جسمی و روحی او نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ چرا که بنا بر تحقیقات روانشناسی، شخص پس از تحمل حبس انفرادی، به‌صورت معمول مزاج و دماغ سالم خود را از دست می‌دهد و وجود بی‌ثمری خواهد داشت که نه خود توان استفاده از حیاتش را دارد و نه جامعه از وجودش بهره‌ای می‌برد.

تعارض مشروعیت حبس انفرادی با اصل برائت کیفری

اصل برائت کیفری از بنیادی‌ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام‌های نوین دادرسی کیفری است و بر مبنای آن، باید فرض را بر بی‌گناهی افراد گذاشت تا اینکه با رسیدگی صحیح و عادلانه، جرم شخص در مراجع صالح قانونی ثابت شود (وکیل و عسگری، ۱۳۸۷: ۱۳۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۷). به بیان دیگر با توجه به آنکه در بسیاری از دعاوی کیفری، فصل خصومت و احقاق حق، جز از طریق دادرسی عادلانه امکان‌پذیر نیست، عدالت اقتضا می‌کند که بی‌گناهی متهم جز در صورت ارائه دلیل قانع‌کننده استمرار یابد. بنابراین، تا زمانی که تعقیب‌کننده نتواند ارتکاب فعل مجرمانه و سوء نیت متهم را اثبات کند، عدم ارتکاب فعل مجرمانه و عدم سوء نیت وی استمرار خواهد داشت (شمس ناتری، ۱۳۸۱: ۶۸).

در حقوق کیفری اسلام مبنای اصل براءت کیفری را باید در قاعده معروف «درء^۱» دانست که جزو قواعد متفرق بر این اصل محسوب می‌شود. اصل براءت در نظام حقوقی اسلام از چنان قدرتی برخوردار است که در موارد اتهامات مربوط به جرایم جنسی خاص، در صورت عدم اثبات اتهام از ناحیه امر کیفری، نه تنها متهم تبرئه می‌شود، بلکه متهم‌کننده نیز به حد قذف محکوم خواهد شد. حتی در صورت عدم کفایت شهود یا تعارض شهادت آنان با یکدیگر نیز، شهود به حد قذف محکوم می‌شوند (شمس ناتری، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

حال در صورتی که نظریه قانونگذار مبنی بر مشروعیت حبس انفرادی را بپذیریم، این نظریه با اصل براءت کیفری تعارض خواهد داشت؛ چرا که بنا بر مشروعیت حبس انفرادی، مقام قضایی نه تنها مجاز است که به منظور جلوگیری از فرار یا تبانی متهمی که هنوز جرم او ثابت نشده است، وی را در حبس انفرادی قرار دهد، بلکه می‌تواند از این سازوکار برای تسریع در تحقیقات مقدماتی نیز استفاده کند. این در حالی است که بنا بر اصل براءت کیفری تا زمان اثبات جرم، بی‌گناهی متهم پایدار است و بر همین اساس، نمی‌توان او را مجازات کرد یا از ابزار مختلف در جهت اجبار وی به اقرار بهره برد.

تعارض مشروعیت حبس انفرادی با ضمان آور بودن اتلاف بالتسبیب

از دیگر موضوعاتی که با مشروعیت حبس انفرادی تعارض آشکار دارد، ضمان آور بودن اتلاف بالتسبیب است که در کتب فقهای امامیه، ذیل تعریف سبب به آن اشاره شده است. بنا بر نظر برخی از فقها سبب چیزی است که در صورت فقدان آن تلف حاصل نمی‌شود، لکن علت تلف چیزی غیر از سبب است. به بیان دیگر، هر چیزی که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید، ولی از عدمش عدم دیگری لازم آید، سبب است؛ مانند حفر چاه و قرار دادن سنگ در مسیر چاه، به طوری که سنگ موجب افتادن افراد در چاه شود (محقق ثانی،

۱. بر مبنای این قاعده، در صورتی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم یا تحمیل مسئولیت و استحقاق مجازات متهم به جهتی محل تردید و مشکوک باشد، باید جرم و مجازات را منتفی دانست (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۴: ۴۳).

۱۴۰۸، ج ۶: ۲۰۶؛ خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۶: ۲۰۵). برخی دیگر بر این باورند که سبب، انجام دادن عملی است که ملزوم علت است و منظور از ملزوم علت، امری خواهد بود که علت بدون آن تأثیری ندارد. بر اساس این تعریف سبب چیزی است که اگر نباشد، تلف حاصل نمی‌شود، لکن صرف وجود سبب هم به معنای تحقق حادثه نخواهد بود. بلکه برای تلف به علت دیگری نیاز است که این دو در کنار هم باعث ایجاد خسارت می‌شوند (علامه حلی، ۱۴۱۳ الف، ج ۳: ۶۵۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۴: ۶۵۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲: ۸۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۸۳). با وجود اختلاف نظر جزئی فقها در مفهوم سبب، در مورد «ضمان آور بودن اتلاف بالتسبیب» اتفاق نظر وجود دارد.

بر همین اساس، برخی از فقهای امامیه معتقدند که اگر به واسطه سهل‌انگاری در نحوه نگهداری محبوسان (از جمله نگهداری آنها در فضای نامناسب) آسیب جسمی به ایشان وارد شود، شخصی که مرتکب سهل‌انگاری شده است، ضامن خواهد بود (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۵۲۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱: ۱۳؛ منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۷۱؛ ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۲۷ - ۱۳۲). با توجه به آنکه در این مورد، فقدان سبب (یا قرار ندادن زندانی در زندان) موجب فقدان نتیجه (عدم وراد شدن آسیب به زندانی) می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که آن مقام قضایی که حکم به قرار دادن متهم یا محکوم در حبس انفرادی می‌کند، ضامن آسیب‌های جسمی یا روحی وارد شده به او نیز خواهد بود؛ چرا که سبب صدمات وارد شده به چنین شخصی، قرار دادن او در مکان ویژه‌ای به نام سلول انفرادی است. لذا با عنایت به این نکته که «قرار دادن اشخاص در حبس انفرادی عموماً موجب وارد آمدن آسیب‌های جسمی و روحی جبران‌ناپذیر به محبوسان می‌شود» (صلاحی، ۱۳۵۴، ج ۲: ۱۷۰؛ صالحی و بهروزی، ۱۳۹۲: ۱۸ - ۲۰)، مشروع دانستن حبس انفرادی عملاً ضمان مقام قضایی نسبت به آسیب‌های جسمی و روحی وارد شده به متهم و محکوم را به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

از مجموع توضیحاتی که پیرامون مبانی و چالش‌های پیش‌روی مشروع دانستن حبس انفرادی ارائه شد، می‌توان دریافت که:

- بنا بر لزوم تفسیر مضیق جرایم و مجازات‌ها و تفاوت‌های موجود میان ماهیت «حبس» و «حبس انفرادی»، نمی‌توان با استناد به عمومیت ادله مشروعیت حبس، به مشروعیت حبس انفرادی حکم داد و برای اثبات مشروعیت حبس انفرادی به ارائه دلیل خاص نیاز است.

- فلسفه اجرای اعمال مجازات زندان «برقراری عدالت، نظم و امنیت در جامعه» و «اصلاح، بازپروری و درمان مجرمان به منظور بازگشت مجدد به جامعه» است. با توجه به آنکه قرار دادن اشخاص در حبس انفرادی، قطعاً آسیب‌های جبران‌ناپذیر جسمی و روحی به آنان وارد خواهد کرد، می‌توان گفت این قسم از حبس، با فلسفه حاکم بر حقوق کیفری تعارض آشکار دارد.

- با در نظر گرفتن مفهوم و شاخصه‌هایی که برای شکنجه اعلام شده است، می‌توان حبس انفرادی را یکی از مصادیق بارز شکنجه دانست.

- قرار دادن متهمان و محکومان در حبس انفرادی، با اصولی چون اصل کرامت انسانی (جزو مهم‌ترین مبانی بهره‌مندی تمامی اشخاص جامعه از حقوق انسانی) و اصل برائت کیفری یا فرض بی‌گناهی (جزو مهم‌ترین مبانی حقوق متهمان) تعارض آشکار دارد و بر اساس قاعده «ضمان‌آور بودن اتلاف بالتسبیب» به ضمان شخصی منجر خواهد شد که به نگهداری شخص در حبس انفرادی حکم کرده است.

- با توجه به ادله فوق، اصل بر عدم مشروعیت حبس انفرادی است؛ مگر در موارد استثنایی که در آن، قرار دادن متهم یا محکوم در واحد تک‌نفره، با هدف حفظ جان وی یا دیگر متهمان و محکومان صورت پذیرد. در این قبیل موارد استثنایی نیز ضروری است که علاوه بر ایجاد تغییرات اساسی در وضعیت و مکان نگهداری از محبوسان انفرادی و رفع هر گونه ممنوعیت یا محدودیت در هواخوری و ارتباط آنان با خانواده خود، حقوق

ویژه‌ای برای ایشان در نظر گرفته شود تا آسیب‌های ناشی از قرار گرفتن اشخاص در حبس انفرادی تا حد امکان کاهش یابد.

پیشنهاد می‌شود قانونگذار محترم به صراحت حبس انفرادی را جرم‌انگاری کند و برای جلوگیری از وقوع آن، ضمانت اجراهای لازم را نیز در نظر گیرد.

Archive of SID

منابع

- قرآن کریم.
۱. آخوندی، محمود (۱۳۷۴). *آیین دادرسی کیفری*، چ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۲. آنسل، مارک (۱۳۷۵). *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
 ۳. ابن ادرید، محمدبن حسن (۱۹۸۸). *جمهرة اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۴. ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد بن سعید (بی تا). *المحلی*، به تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت: دارالفکر.
 ۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۶. ابن کثیر، عمادالدین ابوالفداء (۱۴۰۲ ق). *البدایة و النهایة*، بیروت: مکتبه المعارف.
 ۷. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، چ سوم، بیروت: دار صادر.
 ۸. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۵۲ ق). *موسوعة الخراج*، بیروت: دارالمعرفة.
 ۹. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۳). *حقوق بین المللی کیفری (مجموعه مقالات)*. تهران: گنج دانش.
 ۱۰. _____ (۱۳۸۹). *حقوق جزای عمومی*، چ بیست و پنجم، تهران: میزان.
 ۱۱. ازهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغة*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
 ۱۲. اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). *المحیط فی اللغة*، به تحقیق محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
 ۱۳. احمدی موحد، اصغر (۱۳۸۳). *اجرای احکام کیفری*، تهران: میزان.
 ۱۴. امام خمینی (بی تا الف). *تحریر الوسیلة*، قم: دارالعلم.
 ۱۵. _____ (بی تا ب). *صحیفة نور*، قم: دارالعلم.

۱۶. بولک، برنارد (۱۳۸۵). *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ چهارم، تهران: مجد.
۱۷. بیرانوند، رضا و کوشا، جعفر و هاشمی، حمید و رنجبر، بهرام (۱۳۸۹). *وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان، فصلنامه دانش انتظامی*، شماره ۴۸: ۲۰۳ - ۲۴۴.
۱۸. پیکا، ژرژ (۱۳۸۹). *جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۱۹. ثقفی، ابوسعحاق ابراهیم‌بن محمد (بی‌تا). *الفارات*، تهران: انجمن آثار ملی.
۲۰. تمیمی مغربی، نعمان‌بن محمد بن منصور (۱۳۸۵ ق). *دعائم الاسلام*، چ دوم، قم: آل‌البیت (ع).
۲۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ق). *صورت و سیرت انسان در قرآن*، قم: اسراء.
۲۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۴. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ ق). *جامع المدارک فی شرح المنافع*، چ سوم، قم: اسماعیلیان.
۲۵. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ ق). *مبانی تکملة المنهاج*، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی (ره).
۲۶. _____ (۱۴۰۷ ق). *مصباح الفقاهه*، قم: دارالهادی.
۲۷. دانش، تاج زمان (۱۳۷۲). *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۲۹. رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۰). *نگرش اسلامی به کرامت انسانی، مجله معرفت حقوقی*، شماره ۲: ۱۱۳ - ۱۲۶.
۳۰. رهبر، مهدی؛ سعادت، صالح (۱۳۸۸). *بررسی قاعده تسبیب با رویکردی به آرای امام*

- خمینی (ره)، پژوهشنامه متین، شماره ۴۵: ۷۹ - ۱۰۲.
۳۱. ساکت، محمد حسین (۱۳۶۵). نهاد دادرسی در اسلام، تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۲. ساولانی، اسماعیل (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، چ چهارم، تهران: دادآفرین.
۳۳. سپهری، محمد (۱۳۷۳). زندان از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۴. سید شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، به تصحیح صبحی صالح، قم: هجرت.
۳۵. شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۳). داسرا و تحقیقات مقدماتی، تهران: دادیار.
۳۶. شمس، علی (۱۳۸۶). پژوهشی درباره زندانبانی اسلامی، تهران: راه تربیت.
۳۷. شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۸۱). اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری، مجله مجتمعه آموزش عالی قم، شماره ۱۴: ۶۵ - ۸۸.
۳۸. _____ (۱۳۷۸). بررسی تطبیق مجازات اعدام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۹. شهید اول (۱۴۱۴ ق). الدروس الشرعية فی فقه الامامیة، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۰. _____ (بی تا). القواعد و الفوائد، به تصحیح سید عبدالهادی حکیم، قم: کتابفروشی مفید.
۴۱. شهید ثانی (۱۴۱۰ ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، المحشی کلانتر، قم: کتابفروشی داوری.
۴۲. _____ (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۴۳. شیخ حر عاملی (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۴۴. شیخ طوسی (۱۴۰۰ ق الف). التنبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالکتب العربی.
۴۵. _____ (۱۴۰۷ ق). تهذیب الاحکام، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۶. _____ (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الامامیة، به تصحیح سید محمد کشفی، چ سوم، تهران: المكتبة المرتضویة لاحیاء الآثار الجعفریة.
۴۷. _____ (۱۴۰۰ ق ب). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، چ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.

۴۸. صاحب جواهر (۱۳۹۸ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. صالحی، ابوالفضل؛ بهروزی، داود (۱۳۹۲). *حبس انفرادی؛ مجازات یا سوء رفتار، مجله اصلاح و تربیت، سال ۱۱، شماره ۱۳۷: ۱۷ - ۲۰.*
۵۰. صلاحی، جاوید (۱۳۵۴). *کیفرشناسی*، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه ملی.
۵۱. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۲). *حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام*، ترجمه سید محمد علی احمدی ابهری و بوذر دیلمی معزی و سید هادی رضانی، قم: بوستان کتاب.
۵۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران: مرتضوی.
۵۳. عبدالعزیز بن اسحاق (بی تا). *مسند زید*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۴. علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۷). *کرامت انسانی در سیره سیاسی امام علی (ع)*، مجله فرهنگ، شماره ۲۷ و ۲۸: ۲۱۵ - ۲۲۸.
۵۵. علامه حلی (۱۴۲۰ ق). *تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه*، به تصحیح ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۵۶. _____ (۱۴۱۳ ق الف). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۵۷. _____ (۱۴۱۳ ق ب). *مختلف الشیعه فی الاحکام الشریعه*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۸. فاضل هندی (۱۳۹۱ ق). *کشف اللثام*، تهران: فراهانی.
۵۹. فخرالمحققین (۱۳۸۷ ق). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم: اسماعیلیان.
۶۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*، چ چهارم، قم: هجرت.
۶۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۵ ق). *القاموس فی المحيط*، قاهره: المؤسسة الحلی.
۶۲. قاضی ابن براج (۱۴۰۷ ق). *مهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، چ دوازدهم، تهران: میزان.
۶۵. گودرزی بروجردی، محمد رضا و مقدادی، لیلا (۱۳۸۳). *تاریخ تحولات زندان*،

تهران: میزان.

۶۶. ماوردی، ابوالحسن (بی تا). *احکام السلطانیة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۶۸. محقق ثانی (۱۴۰۸ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: آل البیت (ع).
۶۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). *قواعد فقه (بخش مدنی)*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۷۰. محقق حلی (۱۴۰۸ ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، به تصحیح عبدالحسین محمد علی بقال، چ دوم، قم: اسماعیلیان.
۷۱. _____ (۱۴۱۸ ق). *مختصر النافع فی فقه الامامیة*، چ ششم، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۷۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). *مجموعه آثار شهید مطهری (ره)*، چ چهارم، قم: صدرا.
۷۳. مطهری زاده، یاسین (۱۳۹۲). *اثرات مثبت و منفی زندان بر محکومین به مجازات حبس در استان کهگیلویه و بویراحمد*، استاد راهنما: ناصر قاسمی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۷۴. معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی*، چ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *اخلاق در قرآن*، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع).
۷۶. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ ق). *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*، چ سوم، قم: نشر تفکر.
۷۷. _____ (۱۳۷۱). *مبانی فقهی و حکومت اسلامی (دراسات فی ولایة الفقیه و فقه دولة الاسلامیة)*، ترجمه ابوالفضل شاکری، تهران: تفکر.
۷۸. نوربهاء، رضا (۱۳۸۶). *شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد*، مجله کانون وکلا، شماره ۱۴۸ و ۱۴۹: ۱۸۹ - ۲۱۴.
۷۹. وائلی، احمد (۱۳۷۵). *احکام زندان در اسلام*، ترجمه محمد حسن بکائی، چ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۸۰. وکیل، امیر ساعد و عسکری، پوریا (۱۳۸۷). *قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی*، چ دوم، تهران: مجد.
۸۱. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۴). *حقوق جزای عمومی*، چ سوم، تهران: دفتر نشر راد.
۸۲. *قانون اساسی*.
۸۳. *قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ه. ش (ق.م.ا)*.
۸۴. *قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ ه. ش (ق.آ.د.ک)*.
۸۵. *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ ه. ش*
۸۶. *قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ ه. ش*.
۸۷. *قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ ه. ش*.
۸۸. *آیین‌نامه اجرایی سازمان امور زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ ه. ش*.
۸۹. *آیین‌نامه اجرایی بازداشتگاه‌های موقت مصوب ۱۳۸۵ ه. ش*.
۹۰. *آیین‌نامه اجرای نحوه اداره بازداشتگاه‌های امنیتی مصوب ۱۳۸۵ ه. ش*
۹۱. *آیین‌نامه اجرایی نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه‌های انتظامی مصوب ۱۳۸۱ ه. ش*.